

صدیقی سپهر:

مبصر سایت

اجلاس ۱۲ جون پاریس! تلاشی برای "افغانیزه ساختن" پروسه افغانستان

قرار است بتاريخ ۱۲ جون ۲۰۰۸، سران و نماینده گان ۴۷ کشور کمک کنده به افغانستان در پاریس پایتخت فرانسه، گردهم آیند و در رابطه با " راههای بیرون رفت از بحران افغانستان " تبادل نظر نمایند و برای سرنوشت و مقدرات کشور ما و مردم ما " تصمیم " اتخاذ بدارند.

تشدید مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و کمک به بازسازی افغانستان، موضوع اصلی گفتگوها برای کنفرانس پاریس عنوان شده است، در نظر است از جانب افغانی " استراتیژی ملی انکشافی افغانستان " که ظاهراً از طرف دولت کابل آماده گردیده است، در این نشست ارایه گردد.

در این استراتیژی مسایلی چون دولتداری، امنیت، پیشرفتهای اقتصادی و توسعه، مبارزه با مواد مخدر، افزایش ظرفیتها و حقوق زنان گنجانیده شده است و انتظار میرود که دولت افغانستان پیشنهاد درخواست ۵۰ میلیارد دالر را جهت تحقق این استراتیژی، طی پنچسال به کنفرانس ارایه نماید.

حاکمان کشور و برخی از حامیان آنها از این کنفرانس، خواهان " افغانیزه ساختن " پروسه افغانستان میباشد، با درک این نکته که، اهداف نامیمونی معامله گرانه به منظور تحمیل یک عقبگرد تاریخی برکشور ما و مشمول ساختن شاخه های دیگر از ارتجاع بنیادگرای مذهبی در دایره قدرت دولتی، در بعد سیاسی مسأله مطرح است، " افغانی ساختن " از بعد دیگر بدین معنا است که، " دولت افغانستان " میخواهد اختیارات بیشتر را بدست آورد، تا باشد "اعتماد و صلاحیت" بیشتر کمایی کند، یعنی

اینکه دست بلند در حیف و میل، غارت و اختلاسِ پولهای که برای بازسازی و انکشاف افغانستان عنوان می‌گردد بیشتر از گذشته داشته باشد.

پیش کشیدن شعار " افغانی ساختن مسأله افغانستان " از جانب حاکمان کشور به هیچ صورت به منظور سهم دادن مردم در تعیین نوع کمک و جذب آن، تقسیم و توزیع عادلانه این مساعدتها و تعیین اولویتها و فراهم نمودن زمینه های لازم برای اشتراک فعال آنها در روندهای جاری سیاسی - اجتماعی کشور نیست. آنچه برای حاکمان کشور مهم میباشد، راحت و رفاه و آسایش لایه های بالایی ارتجاعی جامعه و تمرکز هر چه بیشتر ثروت و قدرت بدست حاکمیت مافیایی موجود در کشور و شبکه های متعلق به آن است.

سوال به این نکته وارد است که، در شرایطی که دستگاه دولت افغانستان در داخل و خارج کشور متهم به غارت، اختلاس، چپاول و غرق بودن در فساد اداری -اقتصادی می باشد، چگونه میتواند این دولت، از اعتبار بیشتر جامعه جهانی و مردم کشورهای کمک دهنده بر خوردار گردد.

واقعیت این است که: علیرغم ادعاهای دولت آمریکا و متحدینش مبنی بر تبدیل افغانستان به کشور متمدن و با وجود سرازیر شدن میلیاردها دالر زیر عنوان توسعه و باز سازی، هم اکنون این کشور با بحران شدید مواد غذایی، قحطی، فقر گسترده و بیکاری مزمن مواجه میباشد.

با آنکه مبالغ هنگفتی از جانب کشورهای جهان و نهادهای غیردولتی برای تأمین امنیت، ترقی اجتماعی، رشد اقتصادی، انکشاف فرهنگی و برقراری " دموکراسی " و " تأمین عدالت اجتماعی " در افغانستان، عنوان گردیده است ولی عملاً هر روز گروه گروه از مردم مظلوم کشور از گرسنه گی، بی سرپناهی، نبود خدمات صحی و بد امنی به هلاکت میرسند.

امروز هم مردم افغانستان و هم مردمان کشورهای کمک کننده به افغانستان، اشکارا می بینند که بخش بزرگی از کمکهای جامعه جهانی در افغانستان به شکل بی رویه

مصرف شده (غارت شده)، بدون آنکه در زنده گی مردم این کشور تغییرات ملموسی ایجاد گردیده باشد.

از آغاز تا کنون، نحوه پرداخت و مصرف کمکهای خارجی به افغانستان، از مسایل بسیار سوال برانگیز است، مردم سوال میکنند که، این همه پولهای کمک شده با هدف بهبود وضعیت زنده گی آنها چگونه و به کجا به مصرف رسیده است.

نگرانی ها هم در داخل و هم در خارج کشور در مورد عدم هماهنگی درست در برنامه های کمک رسانی به افغانستان در حال افزایش است. این گمان که بخش بزرگی از این کمکها اصلاً وارد افغانستان نمیگردد بیشتر تقویت میگردد. تداوم فساد اداری - اقتصادی در دستگاه دولت و بی کفایتی رهبران دولت افغانستان، استدلال برخی از کشورها و نهاد های کمک دهنده به افغانستان را که نمیخواهند بخش بیشتر از این پولها از طریق بودجه دولت افغانستان به مصرف برسد، تقویت مینماید.

حدود ۱۰ میلیارد دالر کمک مالی که قول آن به افغانستان داده شده بود هنوز پرداخت نشده، مردم افغانستان از آنچه تعهد گردیده و آنچه داده شده و آنچه واقعاً مصرف گردیده اطلاع ندارند .

با آنکه در حال حاضر در افغانستان قوتهای نظامی ۳۷ کشور حضور دارند و افزون به آن بیشتر از هشت هزار سرباز آمریکایی مصروف اند ولی، مردم امید خود را به توانایی نیروهای " ناتو "، این بازوی نظامی " نظام جهانی سرمایه داری " در مبارزه با تروریسم، خشونت و شبکه های بنیاد گرایان افراطی مذهبی و مافیایی مواد مخدر از دست داده اند، زیرا میبینند که وضعیت امنیتی با توجه به گسترش سریع شورشها، خشونتها و حملات تروریستی - انتحاری به ویژه در مناطق جنوبی و شرقی افغانستان رو به وخامت بیشتر میرود و چشم انداز صلح در افغانستان در حال تضعیف شدن است.

در واری گزارشهای مداوم و مستمر نا امنی، جنگ، خشونت، حملات سازمان یافته تروریستی و انتحاری، اخبار وحشتناک و تکاندنده از بیکاری، فقر، قحطی، گرسنه

گی، تشنه گی، کمبود مواد غذایی و امراض ناشی از آن، از هر گوشه و کنار کشور به گوش میرسد.

کودکان در جستجوی علف، کوهها و دره ها را زیر پا میگذارند تا مگر از گرسنه گی آنی نجات یابند، مردم از فرط گرسنه گی، آرد آمیخته به یک علف سمی " چرمک " را میخورند و در معرض مرگ حتمی قرار می گیرند، در بسیاری شهرها حتی در جوار ارگ ریاست جمهوری، خانواده ها فرزندان شان را به معرض فروش میگذارند و یا از ثروتمندان می خواهند آنان را به صورت رایگان در اختیار بگیرند.

با این هم، جامعه جهانی و دولت موجود از بهتر شدن اوضاع نسبت به گذشته سخن میگویند، و تاکید میدارند که افغانستان نسبت به هفت سال پیش فرق دارد، هر وجدان بیدار میبیند که این تفاوت بیشتر، در آن است که شماری بیشتر افغانها در نتیجه سیاستهای جدید اقتصادی و " جهانی شدن سرمایه مالی"، که بهتر است بگوییم " جهانی شدن معده های خالی " فقیر تر و ناتوان تر شده اند. افغانستان به همان اندازه محتاج کشورهای خارجی است که هفت سال پیش بوده است. امروز مردم دیگر ثمره تلخ و فرجام ناکام و فاجعه آمیز حاکمیت مافیایی (قاچاقبران، غاصبان، غارتگران، استثمارگران، کارتلهای مواد مخدر و سلاح) تحت حمایت آمریکا و متحدینش را مشاهده مینمایند و دیگر میبینند که همه امیدهای کذایی که برای آنها ایجاد گردیده بود به یأس و ناامیدی تبدیل گردیده است .

مردم افغانستان در رابطه به میزان در حال افزایش فساد اداری-اقتصادی، در دستگاه دولت افغانستان و نبود میکانیزم شفاف و مناسب مصرف کمکهای تادیه شده، مقصر اصلی، جامعه جهانی را میدانند. جامعه جهانی خود میدانند که میکانیزم مطمئن و سیستم حسابداری شفاف و هماهنگی برای مصرف پولهای اعطا شده برای بازسازی و توسعه افغانستان وجود ندارد و اولویتهای رسانیدن عادلانه کمکها برای شهروندان نیازمند، در مناطق مختلف نیز دارای برنامه درست و علماً تنظیم شده نبوده است.

جامعه جهانی خود میدانند که بر چیدن فساد اداری - اقتصادی، از دستگاه دولت توسط عناصری که خود تا گلو در فساد غرق اند خیالی بیش نیست.

هر گاه جامعه جهانی، در سیاستهای جاری خویش، به نفع مردم افغانستان تغییرات اساسی را بمیان نیاورد، چگونه گی مصرف پولهای که به عنوان مساعدت به افغانستان طی شش سال گذشته تخصیص داده شده است از طرف یک نهاد مستقل جهانی بررسی نگردد، چالشهای که در قبال پروسه بازسازی کشور قرار دارد مورد رسید ه گی قرار نگیرد و حاکمیت مافیایی کنار گذاشته نشود چنین اجلاسی نمیتواند به حال مردم فقیر و نیازمند کشور مفید و موثر تمام شود.

جامعه جهانی باید بداند که مردم صبر و شکیبایی خود را از دست داده اند و میخواهند شاهد تغییرات عینی و پایه یی مترقی در کشور خود باشند.

11062008

www.ayenda.org